















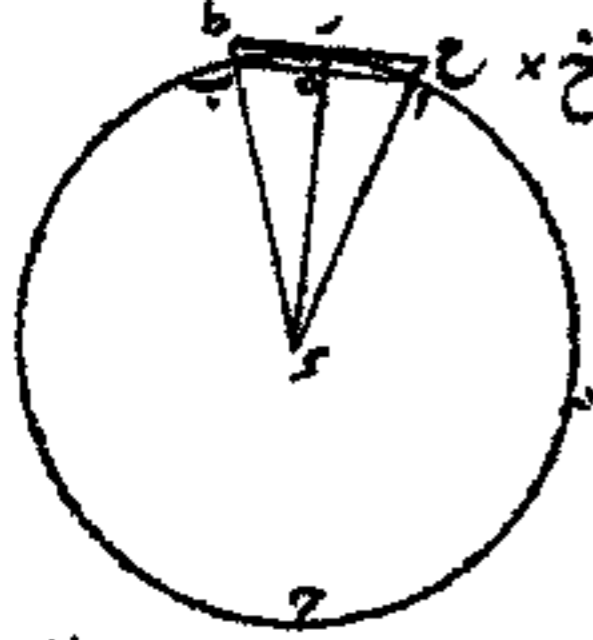






در هر یک سیوم در تفسیر ...  
 محیطش که قریب تر نسبت حقیقی ...  
 اجزای محیط مثلا یک دقیقه و برین ...  
 و وصل کنیم تا آتق و نصف قطر را ...  
 عمود منصف و تر مذکور را بر نقطه ...  
 از عمود زقطه بر آتق و آتق مخرج را ...  
 ... اولی و ثانی و سومی ...

با اولی و ثانی و سومی ...  
 از مرفوع و منتهی بقا شمره است مربع ...  
 است مقدار آن باشد و بنا برین ...  
 ضلع آن معلوم سومی ضلع ربع ...  
 است و در چند این که در اب مطن ...



شادوی الاضلاع و الزوا یا باشد که اندرون دایره واقع شود که شمارش ...  
 باشد یعنی نسبت و یکبار و شش صد و آن در حقیقت شش شش است چون آب را ...  
 در شش شش ضرب کردیم شد مقدار مجموع اضلاع شکل مذکور بد شعونط الو ...  
 یعنی یک صد و هفتاد و شش درجه و پنجاد و نه دقیقه و هفت ثانیه با جزائیکه

قطر یک درجه است و یکم شکل که از مخرجه اول محیط دایره ازین مقدار اعظم است و ح ط ضلع همان ...  
 شکل است که بالای دایره واقع شود و چون مقدار ح ط را در همان شش شش ضرب کنیم مقدار مجموع ...  
 اضلاع شکل بالا می حاصل شود بد شعونط الو یعنی یک صد و هفتاد و شش درجه و پنجاد و نه دقیقه و هفت ...  
 و هفت ثانیه و صفر ثالثه و چهل و نهم و یکم شکل تا از م محیط دایره ازین مقدار اعظم است پس محیط دایره ...  
 کو یا میان این دو عدد وسط عددی باشد لهذا چون نصف حاصل را که بدالد x را بجمع است خواه بر اصغر و ...  
 عدد مذکور زیاده نسبت یا از اعظم بکاهند هر دو صورت مقدار محیط دایره حاصل شود بد شعونط الو ...  
 بالد و چون درجات را نیز مرفوع در آرم صورت رقم چنین شود بد شعونط الو بالد ...  
 یعنی شش مرفوع و شانزده درجه و پنجاد و نه دقیقه و هفت ثانیه و صفر ثالثه و چهل و نهم و یکم ...  
 قدر محیط را قطر که دو مرفوع است قسمت کردیم آن بد ح ط فصول است پس نسبت قطر سومی محیط مانند ...  
 واحد سومی این عدد باشد یعنی سومی بدالد x که سورا از مستقی و هر گاه بر یک مقدم و ثانی را

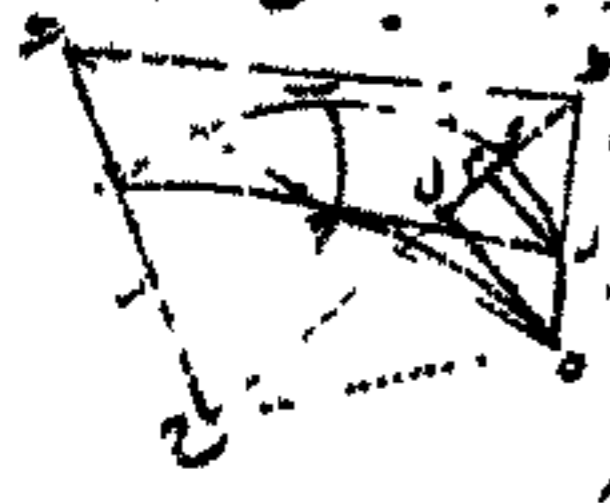








وید آریم از آن محدود شده بر آنج من بعد آن گوئیم که چون خط از دو ضلع مثلث با هم را قطع کرده است بموازات  
 ضلع باقی ایندیک شکل که از هم خورید اول نسبت طه سنوی ط از یعنی نسبت آل حبیب قوس بود سوی زم حبیب  
 بلکه نسبت حبیب زاویه آسوی حبیب قوس بجه چون نسبت که سوی طه باشد لکن چون نسبت آح که حبیب



آه ربع نسبت یعنی حبیب زاویه بت قائمه سوی طه که حبیب قوس آح است باشد همین  
 مراد است و نیز بعد از آن نسبت صورت متناسبه چنین حاصل میشود نسبت حبیب زاویه  
 آسوی حبیب زاویه بت قائمه چون نسبت ضلع باح سوی ضلع آح باشد و نیز

بجای آنکه زاویه آن قوس بجه را بقیاس قوس آح میل اول خوانند یعنی قوس آب عرض و میل آن  
 نامزد و از بیانی که گذشت ظاهر است که حیوس با قوس است تناسب جیب جیب میل بود  
 مثلثات غیر قائم الراویه که از عظام باشد نیز است جیب زاویه سوی حبیب زاویه  
 در مثل نسبت دو جیب دو ضلع موثر آن دو زاویه می باشد چنانچه در مثلث آبه  
 نسبت حبیب زاویه بت سوی حبیب زاویه بت چون نسبت جیب ضلع آح سوی حبیب  
 ضلع آب است و رسم کنیم دایره عظیمه که بر نقطه آ و قطب دایره بت ح مرور کند پس  
 این دایره مرسومو لا محاله دایره بت ح زاویه بت ح قطع کند بنم شکل که از خورید اول  
 مقطع دایره مرسومو با دایره بت ح با میان دو نقطه بت ح باشد یا با این از دو نقطه بت ح



و به نظر در مثلث آسوی آه فالزاویه ح د است آیدند  
 و شد در مثلث آب بت نسبت حبیب زاویه بت سوی حبیب  
 ضلع آح موثرش چون نسبت حبیب بت قائم سوی حبیب  
 ضلع آب و در مثلث آه نسبت حبیب ضلع آح سوی

حبیب زاویه بت مانند نسبت حبیب ضلع آح است سوی حبیب قوس بت ح و نیز نسبت  
 پس حاصل شد نسبت اول حبیب زاویه بت و جیب ضلع آح و جیب زاویه بت و نصف دوم  
 نسبت ضلع آح و جیب قائم و جیب ضلع آح در این دو نسبت نسبت مساوات مضطرب  
 است از این جهت بگوئیم شکل که از این نسبت در این صورت سوی حبیب زاویه  
 آه چون نسبت حبیب ضلع آح سوی حبیب آه نسبت حبیب زاویه بت ح و جیب زاویه بت ح  
 در صورتی که زاویه بت ح و ضلع آح و ضلع آه و ضلع آح و ضلع آه و ضلع آح و ضلع آه  
 ضلع آح و ضلع آه و ضلع آح و ضلع آه و ضلع آح و ضلع آه و ضلع آح و ضلع آه و ضلع آح و ضلع آه





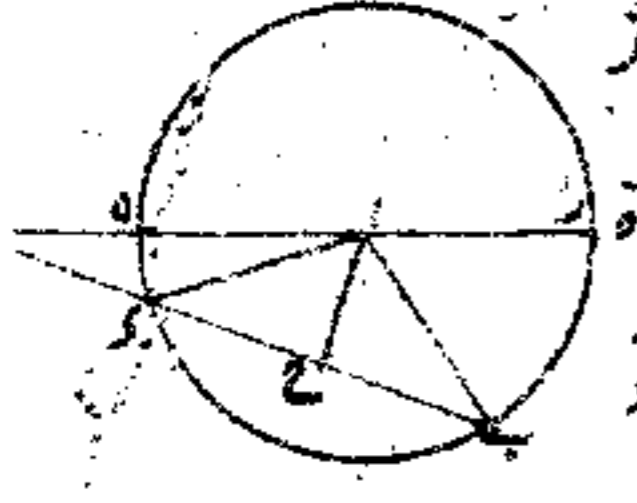


در هر دو اول که با هم در سمت راست و چپ و ...  
 طایفه در هر دو اول که با هم در سمت راست و چپ و ...  
 یعنی طایفه قسمی از هر دو سمت راست و چپ که ...  
 مساوی سطح است و مساوی در هر دو سمت راست و چپ ...  
 سطحی از این سطح در هر دو سمت راست و چپ ...  
 می باشد در هر دو سمت راست و چپ که ...  
 و این سطح در هر دو سمت راست و چپ که ...



این دو سطح مشترک را می توانیم در هر دو سمت راست و چپ ...  
 تا این موجود باشد و می توانیم تا آنکه اقلیدس در مقاله عاشره برای پیدا کردن دو خط متساوی ...  
 اشکال مقاله نهم تا سیم را تمام بلیغ کرده است و درین جامع بدین بیان قلیل مراد ثابت گشت ...  
**اثبات اول** در مساحت سطوح **مثلث قائم الزاویه** یک ضلع محیط قائم ...  
 در نصف ضلع دوم ضرب کنند حاصل مساحت آن باشد حکم شکل هموار هم خرنیبه اول **مثلث غیر**

**قائم الزاویه** نصف ضلعی را که غیر اقصر باشد در عمودی ضرب کنند که از زاویه مقابل برهما ...  
 ضلع واقع شود حکم شکل هر مطلب حاصل شود و طریق استخراج عمود در مثلث مختلف الاضلاع بقا ...  
 حاصلی آن است که طول اضلاع را قاعده قرار داده مجموع دو ضلع را در تفاضل آنها ضرب کنند ...  
 و حاصل را بر قاعده قسمت کنند و خارج قسمت را از قاعده بکاهند و بقدر نصف باقی متصل ...  
 باقصر اضلاع بعد موقع عمود باشد و بر میان دو فرض کنیم که ضلع با از مثلث با طول ...  
 اضلاع است و رسم کنیم بر زاویه که اعظم زوایا است بر بعد آب اقصر الاضلاع دایره و ...  
 که لا محاله قطع کند دو ضلع با آ آ را برد و نقطه و و خارج کنیم تا آثار و ظاهر است ...  
 که در مجموع دو ضلع با آ آ است و ه ه تفاضل آنها است من بعد آن گوئیم که چون نقطه ...  
 ه خارج دایره است و از اینجا دو خط قاطع ه ه بر آ آ بر آمده اند لهذا حکم ...  
 شکل آ از خرنیبه اول سطح ه ه مجموع ضلعین در ه ه تفاضل آنها مثل سطح ه ه است



قاعده درجه باشد بنا بر مساوات هر یکی از این دو سطح مربع خطی را که از ...  
 نقطه ه خارج شود و دایره را محاسن کرد و ازین جهت هر یک از سطح ه ه ...  
 هر دو بر ه ه قسمت کنیم لا محاله خارج قسمت قدر شده و با باشد و چون ه ه





بعد بر سه نبرده تا ضلع مساحت حاصل شود مثلا مساحت مثلث مذکور دو اژده کز مساحت  
 نر نیم شد ۱۲۳ مثلث این میشود ۴۸ جذرش را تقسیم شد ۹ و ۶ این را در چهار ضرب کردیم کز  
 جذرش بر آمد ۲۶ ده که قدر ضلع مثلث است **سطوح قائم الزوایا** \* قدر یکی از محیط  
 به یاد دیگر ضرب کنند معین \* قطر بی را در نصف قطر دیگر ضرب کنند حاصل ضرب مطلوب باشد  
 نیانش **مربع** و قطر معین بنا بر تساوی اضلاعش متساوی بقوایم می باشد و ضرب نصف قطری در  
 نصف قطر دیگر مساحت نصف معین میشود پس ضرب کل قطری در نصف دیگر مساحت کل معین باشد و  
 باقی ذی اربعه اضلاع را بدو مثلث تقسیم نمایند و هر مثلث را جدا جدا پیموده یکجا سازند مطلوب حاصل  
 شود و این قاعده جام است برای جمیع سطوح کثیر الاضلاع یعنی پنج ضلعی را بر سه مثلث منقسم سازند و ضلع  
 را بر چهار و علی هذا القیاس و مساحتها را جمع نمایند و برای مساحت مسدس و شش  
 و امثال آن از زوج الاضلاع طریق خاص است و آن اینست که نصف قطرش را در نصف مجموع  
 اضلاع محیط ضرب کنند و مراد از قطر در اینجا خط واصل است میان منتصف دو ضلع متقابل و  
 بر آن این عمل از شکل ثب از م خزینه اول مستفاد است \* **دایره** \* نصف قطرش را  
 در نصف محیط ضرب کنند حاصل مساحت آن باشد بکم شکل مذکور و طریق معلوم کردن محیط از  
 قطر و بالعکس آنست که قطر را در میت و در ضرب کرده بر میت قسمت کنند خارج قسمت  
 مقدار محیط باشد و اگر محیط را در میت ضرب کرده بر میت و در قسمت کنند مقدار محیط  
 رسد چه در خزینوم ازین خزینه معلوم شد که نسبت قطر سوی محیط چون نسبت هفت سوی  
 میت و در نسبت تقریبی اصطلاحیت و اگر غایت تدقیق عمل خواستند باشند قطر را در  
 عدد ۳۱۰۹۰۳ ضرب کنند مقدار محیط اقرب به شیبتر حاصل شود و اگر محیط را بر این  
 عدد قسمت کنند محیطان قطر معلوم شود \* **قائده** \* میخواهیم که برابر مربعی دایره سازیم  
 آن مربع است و باید از سبب خطی محدود معلوم باشد و بر آن ربع از نقطه بر بجه عمود که  
 بقدر محیط آن دایره که نصف قطرش برابر است با آن ربع باشد **مربع** از م خزینه اول و  
 کنیم بر داد بازم تقوت شکل آنست که از آن بر خطی سطح سبب  
 قائم الزوایا که برابر مثلث باشد باشد و بر خطی سطح در قائم الزوایا که  
 مربع آید و بر آن خطی ط و در در بیست میان آن خطی سبب در بقدرت شکل  
 آن از م خزینه اول سبب ط و در آن دایره باشد که در مربع آن

چون خطی که با نظیر آن ساخته بر آن مثلث طایفه شیب است

بچه و عمل کرده شود برابر باشد سطح آن را یک شکل مانا ~~باید~~

اول یعنی مربع آن را و نیز دایره که بر آن نصف قطر آن ~~باید~~

برای مثلث طایفه باشد لهذا این دایره برابر مربع آن باشد و

هرگاه مساحت مربع آن و خط طایفه معلوم باشد نصف قطر آن

را از روی حساب معلوم توان کرد مثلاً مربع آن صد گز است و ربع

آن ۲۵ گز برین تقدیر ۲۲ گز باشد و ۵/۱۱ گز و سطح آن

۳۸۵ گز و چون مساحت مربع آن ۱۰۰ گز است بر قدر آن قسمت کنیم خارج قسمت که ۹۵۰۹

گز است لا محاله قدر آن باشد بعد سیم را در آن ضرب کردیم شده ۳۱۴۸۱ گز در این که ۶۲۶ گز است

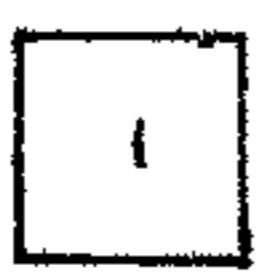
قدر آن طایفه باشد و چند آن که ۱۱۵۲۹۲ گز است قطر آن گز باشد که برابر مربع است و چون این

گز را که ساخته شد چهار گز و ده بود که ربع بود **قطوع دایره** نصف قوس قطاع را در نصف قطر

ضرب کنند یک شکل است از آن حاصل شود **قطعه دایره** اول مرکز قطعه

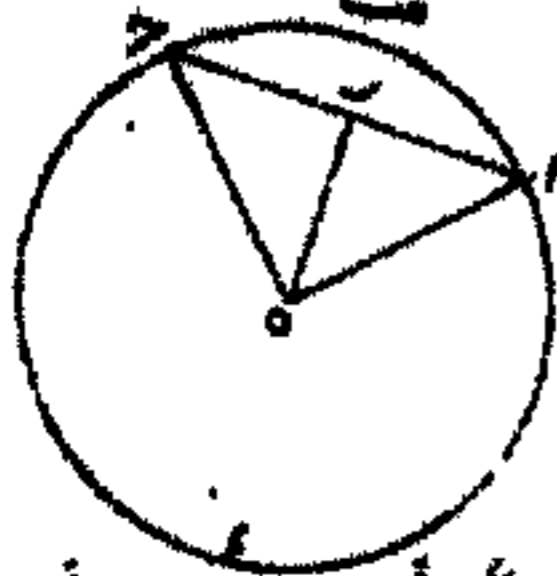
باید **قطعه** و طرف قوس قطعه و مرکز و نصف قطر وصل کنند تا مثلث محدث القطاع پیدا شود پس

هر یک از قاعده قطعه و نصف قطر را به یکدیگر قاعده را در نصف ضرب نموده بر نصف قطر



باید **قطعه** و طرف قوس قطعه و مرکز و نصف قطر وصل کنند تا مثلث محدث القطاع پیدا شود پس هر یک از قاعده قطعه و نصف قطر را به یکدیگر قاعده را در نصف ضرب نموده بر نصف قطر ضرب کنند مقدار آن تا مقدار قوس است یعنی حاصل آن دیدم آن تا دور قوس خطی بود پس اجزاء سنی قوس را در آن ضرب کنند تا اجزای محیطی بقدر اجزای خطی تا سنی شود و این مسائل را اجزاء منقول قوسی خوانند پس بعد آن مقدار همه بر نصف قطر در اجزاء منقول قوس ضرب کنند و بر اجزای سنی قدر نصف قطر قسمت کنند خارج قسمت مقدار قوس باشد بمقیاسی که از آن مقدار و ترا خود دست پس نصف قطر را در نصف مقدار محیط که هم باشد آن ضرب کنند حاصل مساحت قطاع قطعه باشد پس بعد آن مثلث قطاع را بیاورد اگر قطعه صغری باشد مساحت مستطال از مساحت قطعه کم کنند اگر کبری شد قطاع منتهی را بجا کنند برود صورت مساحت مستطال رسیده نشان آن پایه تمام عرضی است و در آن قطعه سنی که مرکز دایره باشد بقدر آن در آن است

ضرب کردیم شده ۲۹۰ و این حاصل با بخش قسمت کردیم مقدار و تراشیدیم قبل



نصف این شده ۱۴۵ و قوس این در جدول جیب بود و چون این شده

اجزاء قوس آب ۶ و قوس ۶ و تمام این تا دور که ۳۶۰ است اجزاء قوس

آب باشد پس اجزاء قوس آب را در ۱۴۵ ضرب کردیم و قدر منقول

قوس آب ۶ حاصل کردیم با قدر ذراعی نصف قطر که ۱۴۵ است ضرب کردیم شده ۸۶۷۵ و این حاصل را بر

قطر که ۱۴۵ است قسمت کردیم برآمد قوس آب ۶ ۶۰ و نصف این شده ۳۰ و این نصف را

در شش ذراع که قدر آه است ضرب نمودیم حاصل آمد مساحت قطاع آب ۶ ۶۰ و اگر شش را از آن

رای معرفت مساحت مثلث آه ۶ از آن عمود را بر آه قائم کردیم و از مربع آه که ۳۶ و لونا ۶ است مربع آن

را که ۳۶ و لونا ۶ است کاستیم باقی ماند مربع ۶۰ و در ۶۰ ضرب کردیم و در ۶۰ ضرب کردیم و در ۶۰ ضرب کردیم

این ۳۶ و در ۶۰ ضرب کردیم که ۲۱۶ و در ۶۰ ضرب کردیم حاصل آمد مساحت مثلث آه ۶ ۶۰ و این سطح را

از مساحت قطاع آب ۶ ۶۰ کاستیم باقی ماند مساحت قطع آب ۶ ۶۰ یعنی ۶۰ و در ۶۰ ضرب کردیم و در ۶۰ ضرب کردیم

و این ۳۶ و در ۶۰ ضرب کردیم که ۲۱۶ و در ۶۰ ضرب کردیم حاصل آمد مساحت مثلث آه ۶ ۶۰ و این سطح را

از مساحت قطاع آب ۶ ۶۰ کاستیم باقی ماند مساحت قطع آب ۶ ۶۰ یعنی ۶۰ و در ۶۰ ضرب کردیم و در ۶۰ ضرب کردیم

و این ۳۶ و در ۶۰ ضرب کردیم که ۲۱۶ و در ۶۰ ضرب کردیم حاصل آمد مساحت مثلث آه ۶ ۶۰ و این سطح را

از مساحت قطاع آب ۶ ۶۰ کاستیم باقی ماند مساحت قطع آب ۶ ۶۰ یعنی ۶۰ و در ۶۰ ضرب کردیم و در ۶۰ ضرب کردیم

و این ۳۶ و در ۶۰ ضرب کردیم که ۲۱۶ و در ۶۰ ضرب کردیم حاصل آمد مساحت مثلث آه ۶ ۶۰ و این سطح را

از مساحت قطاع آب ۶ ۶۰ کاستیم باقی ماند مساحت قطع آب ۶ ۶۰ یعنی ۶۰ و در ۶۰ ضرب کردیم و در ۶۰ ضرب کردیم

و این ۳۶ و در ۶۰ ضرب کردیم که ۲۱۶ و در ۶۰ ضرب کردیم حاصل آمد مساحت مثلث آه ۶ ۶۰ و این سطح را

از مساحت قطاع آب ۶ ۶۰ کاستیم باقی ماند مساحت قطع آب ۶ ۶۰ یعنی ۶۰ و در ۶۰ ضرب کردیم و در ۶۰ ضرب کردیم

و این ۳۶ و در ۶۰ ضرب کردیم که ۲۱۶ و در ۶۰ ضرب کردیم حاصل آمد مساحت مثلث آه ۶ ۶۰ و این سطح را

از مساحت قطاع آب ۶ ۶۰ کاستیم باقی ماند مساحت قطع آب ۶ ۶۰ یعنی ۶۰ و در ۶۰ ضرب کردیم و در ۶۰ ضرب کردیم

و این ۳۶ و در ۶۰ ضرب کردیم که ۲۱۶ و در ۶۰ ضرب کردیم حاصل آمد مساحت مثلث آه ۶ ۶۰ و این سطح را

از مساحت قطاع آب ۶ ۶۰ کاستیم باقی ماند مساحت قطع آب ۶ ۶۰ یعنی ۶۰ و در ۶۰ ضرب کردیم و در ۶۰ ضرب کردیم

و این ۳۶ و در ۶۰ ضرب کردیم که ۲۱۶ و در ۶۰ ضرب کردیم حاصل آمد مساحت مثلث آه ۶ ۶۰ و این سطح را

### المیلجی و شلجی

تقیم کنند و در دو قطعه را پیچیده بکند جا کنند مطابق در صورتی که در مثال اول و ثانی

در صورتی که در دو قطعه را پیچیده بکند جا کنند مطابق در صورتی که در مثال اول و ثانی

در صورتی که در دو قطعه را پیچیده بکند جا کنند مطابق در صورتی که در مثال اول و ثانی

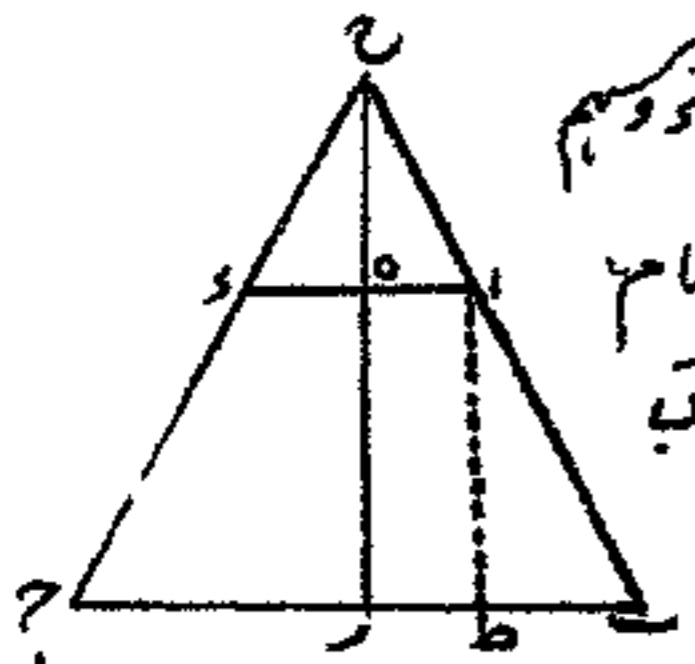
در صورتی که در دو قطعه را پیچیده بکند جا کنند مطابق در صورتی که در مثال اول و ثانی

در صورتی که در دو قطعه را پیچیده بکند جا کنند مطابق در صورتی که در مثال اول و ثانی

در صورتی که در دو قطعه را پیچیده بکند جا کنند مطابق در صورتی که در مثال اول و ثانی

در صورتی که در دو قطعه را پیچیده بکند جا کنند مطابق در صورتی که در مثال اول و ثانی

در خط محیط مثلث متساوی الساقین و جب است و نصف محیط قاعده اش دو اندازه و جب  
 در هر دو حاصل ضرب آنها که یک صد و سی و سه و جب وسیع و جب میشود مساحت  
 مخروط باشد برانش اینک در شکل که از خزینة اول ثابت است که سطح هر مخروط مساوی قاعده اش  
 مساوی می باشد آن دایره را که نصف قطرش و مساوی باشد در نسبت میان ضلع آن مخروط و نصف  
 قطر قاعده اش و نسبت قطر سوی قطر چون نسبت محیط سوی محیط باشد لهذا نسبت این مخروط و مخروط  
 نصف قطر دایره که مساوی آید بر هر دو است چنانچه نصف محیط همان دایره باشد سوی نصف محیط قاعده  
 مخروط و سطح و سطح مساوی سطح مخروط است پس سطح طرفین نیز مساوی سطح مخروط باشد و بر او در مخروط  
 مستدیر ناقص اول نصف قطر قاعده عظمی را در ضلع ناقص ضرب کنند و حاصل ضرب را بر فضل نصف قطر  
 قاعده عظمی بر نصف قطر قاعده صغری قسمت کنند خارج قسمت ضلع همین مخروط باشد در صورتیکه تمام بود  
 همچنین اگر سهم مخروط ناقص را در نصف قطر قاعده عظمی ضرب نموده بر فضل نزبور قسمت کنند خارج قسمت  
 سهم همین مخروط باشد چنانکه نام بود و باید که قطع کنند مخروط ناقص را سطحی مستوی بنوعیکه  
 بر سطحش گذشت باشد تا فصل مشترک آن حادث گردد و در هر دو جانب قطر قاعده عظمی باشد و آن



قطر قاعده صغری و در سهم مخروط و خارج کنیم هر یک از دو ضلع با هم و سهم  
 ره را از جانب آه تا بر نقطه مسته که سلاقی میشوند و ب ج ح مثلث مخروط تمام  
 بهم رسد و خارج کنیم از آن موازی سهم ره تا در مثلث اطاب  
 ح زب متساوی حاصل شوند و نسبت ب ط فضل نصف قطرین معلوم شود  
 و در نصف قطر قاعده عظمی معلوم چون نسبت آن ضلع ناقص معلوم سوی ضلع ح ب تمام مجهول  
 باشد بقدر چون نسبت سهم ره ناقص معلوم سوی سهم ح تمام مجهول باشد و هر گاه هر یک  
 از ضلع و سهم تمام معلوم شد پس ح آ ح و ضلع و سهم مخروط آ ح و که سهم مخروط ناقص با  
 معلوم باشد پس هر گاه معلوم مساحت سطح هر یک از دو مخروط تمام ب ج ح آ ح و معلوم کرده دو  
 را از اول بکاپند با مساحت سطح مخروط ناقص با سهم هر یک از قطرش را در محیط دایره عظمی  
 که در آن کره واقع شود ضرب کنند حاصل مساحت سطح کره باشد چه نظام است که این حاصل ضرب چنان  
 دایره عظمی باشد در شکل ثابت از خزینة اول ثابت است که سطح هر کره چهار چند دایره عظیمی می باشد که  
 در آن کره واقع شود و سطح و مساحت سطح از کره هر یک که مساحت سطح دور عظیمی واقع باشد  
 مساحت حاصل میشود از مساحت سطح دایره در هر دو از عظیمی است و در هر دو



از شکل مذکور ظاهر است **سطح قمر کره** مساحت بیست دایره و که نصف قطرش برابر باشد  
خطی را که داخل باشد میان قطب آن قطر نقطه از محیط قاعده اش چنانچه در شکل تر ازه خزینا  
برین است و خط مذکور در نصف قوسی است که واقع شود میان قاعده قطعه از عظیمه که بر قطب همان  
گذشته باشد پس چنانکه در مساحت دایره گذشت بمقتضای نصف قطر معلوم محیط معلوم کنند و نصف  
را در نصف قطر ضرب کنند مطلوب حاصل شود **انکشاف دوم در مساحت اجسام استوانه**  
که مکعب و اجسام متوازی السطوح را نیز اعم است مساحت قاعده را در ارتفاع ضرب کنند حاصل مطلوب باشد  
چنانچه ظاهر است **مخروط تام** مساحت ثلث قاعده را در ارتفاع ضرب کنند حاصل مساحت مخروط  
باشد زیرا که در شکل <sup>۲</sup> ازه خزینا اول ثابت است که هر مخروط که با استوانه بقاعده و سهم ششگانه دارد  
ثلث استوانه می باشد اگر کل قاعده را در ارتفاع ضرب میکنند مساحت استوانه حاصل میشود هرگاه در  
زدند مساحت ثلث استوانه حاصل شد که برابر مخروط است **مخروط ناقص** چنانچه در مساحت سطح مخروط  
ناقص گذشت ضلع و سهم تام و کامل آن حاصل نمایند مساحت هر یک از دو مخروط تام جزو کل حاصل  
مساحت صغیر را از کبیر بکاهند باقی مساحت مخروط ناقص با **کره** ثلث مساحت سطح آنرا  
در نصف قطر ضرب کنند حاصل مساحت کره باشد زیرا که در شکل <sup>۳</sup> ازه خزینا اول ما نیاید  
رسیده که هر کره چهار چند آن مخروط می باشد که قاعده اش مساحت دایره عظیمه آن کره باشد  
و ارتفاعش مثل نصف قطر کره پس هر مخروطی که قاعده اش مساحت دایره عظیمه است یعنی  
مثل سطح کره و ارتفاعش مثل نصف قطر کره آن مخروط بر سر کره باشد چه حکم باشد مساحت چهار  
ه خزینا اول چهار چند آن مخروط خواهد بود که قاعده آن مثل دایره عظیمه است و مساحت  
مخروط حاصل میشود از ضرب ثلث قاعده اش در ارتفاع آن پس معلوم است  
باید مثلاً کره که قطرش ۲۱ و مساحت سطح عظیمه آن ۶۶ و مساحت دایره دو حال  
ضرب این هر دو که ۱۳۱۶ و مساحت سطح کره باشد مساحت آنرا که ۴۶۲  
است در نصف قطر که ده و نیم است ضرب کردیم شد مساحت جسم کره ۱۰۵ و مساحت  
تقییه و آنچه میان مساحت آن شهو است که از مکعب منظر کره مساحت نصف مساحت است و از  
باقی همچنین مساحت کره حاصل آید این طریقی بقایه از تحقیق آید **قطعه کره**  
اول ارتفاع قطعه مطلوب را در مساحت نصف قطر کره و ارتفاع باقیه از کره  
در مساحت مساحت را در ارتفاع باقیه ضرب کنند و مساحت باقیه را در مساحت